

و صبوحی و فصل گل و شکم توبه و
حریفان مخمور و نمره مستانه به طور
کلی از می و میگساری، گفتگی نماید.
(۲)

مؤلف فاضل کتاب شعر و اد فارسی،
ساقی نامه را از متفرعات اشعار سریه به
شمار می آورد که خطاب به سائر طلب
شرب مدام سروده می شود، لیکن اوت آن
با اشعار دیگر از این نوع دو سه اساسی
یعنی: مثنوی بودن و در بحر متقارب سروده
شدن آن است. (۳)

کار سرودن ساقی نامه در میان شاعران فارسی
زبان به اندازه ای رونق می یابد، ادیب
پژوهنده ای به نام ملا عبدالنبی الزمانی
قزوینی (متوفی به سال ۱۰۷ هجری
قمری) یکی از شاعران و نویسندگان عهد
صفوی که از ایران به هندوستانها جرت
کرده است، تذکره ای به نام «میخانه»
تالیف کرده که در آن منحصراً بحال احوال
شاعرانی آمده است که سراینده ساقی نامه
باشند. او در این کتاب، ترجمه هوال ۴۶
تن از این شاعران را همراه با ساقی نامه آنها
آورده است (که البته این رقم شاکی کسانی
نیست که اشعار خود را در قالب ترجیع یا
ترکیب بند سروده اند).

با این که تذکره میخانه کتاب زرگ و
نسبتاً قطوری است، با این وجود باز هم
نام عده زیادی از ساقی نامه سرایان در آن
از قلم افتاده یا مؤلف، اطلاعات ندانی از
شرح احوال آنها نداشته است. به طور
کلی آنان را نمی شناخته که مصحح فاضل
و دانشمند کتاب، استاد احمد گلپای معانی،

ساقی نامه ها در ادب فارسی

دکتر شهرزاد شیدا

مقدمه:

ساقی نامه گونه ای شعر است که اغلب در
قالب مثنوی و در بحر متقارب سروده
می شود. گفته اند: ساقی نامه عبارت است از:
نوعی شعر مثنوی در بحر متقارب که در
آن شاعر، خطاب به ساقی کند در مضامینی
در یاد مرگ و بیان بی ثباتی حیات دنیوی
و پند و اندرز و حکمت و غیره آورد. با
این که این نوع شعر را به علت ذکر باده
و جام، با سایر اشعار خمیره، مناسبتی است
اما دو شرط این که مثنوی باشد و در بحر
مقارب گفته آید، آن را نوع خاصی در
میان اشعار فارسی قرار می دهد و نیز روح
خاص فلسفی و اخلاقی و عرفانی این نوع
منظومه ها، با مضامین عادی سایر خمیرات
تفاوتی آشکار دارد. (۱)

و اما خمیره به اشعاری اطلاق می شود که
شاعر در آن از موضوع هایی مانند ساقی و
ساغر و مینا و جام و خم و سبو و میکده
و می فروش و دختر رز و تاک و محتسب

این نوع کم و کاستی‌ها را در پاورقی‌ها
جبران کرده است.

همچنین بعد از تالیف این تذکره، باز هم
بسیاری از شاعران فارسی‌گوی، چه در ایران
و چه در هندوستان، ساقی‌نامه‌های بسیاری
سروده‌اند که آنها را نیز استاد گلچین معانی
- مصحح تذکره میخانه - در کتاب دیگری
به نام تذکره پیمان، که در حقیقت ذیلی بر
تذکره قبلی به شمار می‌آید، گردآوری و
چاپ کرده است.

ملا عبدالنبی در کتاب تذکره میخانه خویش،
شرح احوال ساقی‌نامه سرایان را از حکیم
نظامی گنجه‌ای شروع کرده و امیر خسرو
دهلوی را بعد از نظامی دومین سراینده
ساقی‌نامه به شمار آورده است اما ناگفته
نباید گذاشت که ساقی‌نامه‌های این دو
شاعر، منظومه‌های مستقلی در این باره
نیست، بلکه بیت‌های پراکنده‌ای است
که در خلال مثنوی‌های خمسه آنان آمده
است.

به استناد پژوهش‌های ارزنده زنده یاد دکتر
محمد جعفر محجوب، ظاهراً به نظر می‌رسد
که نظامی در این شیوه هم از فخرالدین
اسعد گرگانی، تقلید کرده باشد؛ هر چند از
جزئیات زندگی وی و آثارش، بجز منظومه
ویس و رامین (در بحر هزج مشمن محذوف
یا مقصور) چیزی به دست ما نرسیده است
ولی اشعار پراکنده‌ای در فرهنگ‌ها به نام
فخرالدین اسعد یا فخری گرگانی، ضبط
شده است که نشان می‌دهد وی مثنوی
دیگری در بحر متقارب داشته که نام و
نشان و موضوع آن تا اکنون بر ما پوشیده

مانده است. از جمله در فرهنگ جهانگیری
در ذیل واژه «وروغ» به معنی کدورت و
تیرگی، این بیت آمده است:
بیا ساقی آن آب صافی فروغ
که از دل برد زنگ و از جان وروغ
و همچنین در ذیل ترکیب زنده رود این
بیت را می‌بینیم:

مغنی بیا و بیار این سرود
که ریزم زهر دیده صد زنده رود (۴)
اگر انتساب این بیت‌ها به فخرالدین اسعد
قطعی باشد، بیت اول که خطاب به ساقی
است و مطابق شیوه ساقی‌نامه‌ها، موقوف
المعنی است و موضوع آن در بیت یا ایات
بعدی کامل می‌شود، که امروز آن بیت
یا ایات بعدی را در اختیار نداریم، با این
حساب، به احتمال زیاد سرمشق نظامی در
سرودن ساقی‌نامه و مغنی‌نامه، مثنوی (فعا
گمشده) فخرالدین اسعد بوده که ممکن
است ساقی‌نامه او هم (همچون ساقی‌نامه
نظامی) مستقل نبوده است، بلکه پاره‌ای
از بیت‌های آن مانند اسکندرنامه نظامی
با خطاب «بیا ساقیا» یا «مغنی بیا» آغا
می‌شده است.

بنابراین می‌توان در مجموع نتیجه گرفت
که در شعر فارسی، قدیمی‌ترین خطاب
به ساقی و مغنی، متعلق به مثنوی گمشده
فخرالدین اسعد گرگانی یا شاعران پیشتر
از وی (از جمله فردوسی) که مثنوی‌هایی
در بحر متقارب، خطاب به ساقی سروده‌اند
(۵)

اما اگر منظومه‌های مستقل از ملاک عمل
قرار دهیم از همه قرائن چنین بر می‌آید

که خواجه جوی کرمانی (در گذشته به سال ۷۵۰ هجری قمری) و سلمان ساوجی (در گذشته به سال ۷۷۸) و از لحاظ اهمیت کار، به خصوص حافظ شیرازی، از نخستین گویندگانی هستند که هر یک منظومه مستقلی از این نوع سروده و موجب اعتبار و رونق آن گشته‌اند.

باری، بعد از حافظ سرودن ساقی‌نامه از انواع متداول شعر فارسی به حساب می‌آید تا آنجا که بسیاری از شاعران، مثنوی‌هایی عرفانی و مستقل در بحر متقارب سروده‌اند که در آنها اصطلاحات خمیری را در معانی خاص عرفانی به کار برده‌اند. (۶)

از اواخر قرن دهم سرودن ساقی‌نامه، جنبه عام پیدا می‌کند که اغلب شاعران، از لحاظ سبک و روش کار، به ساقی‌نامه و معنی‌نامه حافظ عنایت دارند و گاهی در این ساقی‌نامه‌ها همچون قصیده، به ستایش ممدوح نیز می‌پردازند. گذشته از این، انواع دیگری از شعر از قبیل ترجیع و ترکیب بند و حتی رباعیاتی با مضمون و محتوای ساقی‌نامه‌ای سروده می‌شود. (۶)

در میان این سراینندگان بعد از حافظ، حکیم پرتوی (م. ۱۴۱. ه. ق.)، نوعی خبوشانی (م. ۱۰۱۸)، ظهوری نرشیزی (م. ۱۰۲۵) و میررضی آرتیمانی (م. ۱۰۳۷) از شهرت و اعتبار فراوانی برخوردارند.

چنانکه گفته شد بیشتر ساقی‌نامه‌ها در قالب مثنوی و در بحر متقارب (فعولن فعولن فعولن فعول) سروده شده‌اند و اغلب ابیات آنها با خطاب «بیا ساقی» یا «بده ساقی» آغاز می‌شود و معنی کلی آنها این است

که ساقی بیا و باده‌ای را که چنین است به من بده که چنین و چنین مانند این نمونه:

بیا ساقی آن تلخ شیرین گوار
که شیرین کند تلخی روزگار
به من ده که تلخ است ایام من
ز ایام من تلخ‌تر، کام من
(امیدی تهرانی) (۷)

معمولاً بیت‌های خطایی، موقوف است و بیت اول مقدمه‌ای است بر یا نتیجه‌گیری‌هایی که در بیت یا بعدی می‌آید و از نظر دستور غالب جمله‌ها در بیت اول ناتمام فعل آنها در بیت یا بیت‌های بعدی معنی‌نامه نیز بخشی از ساقی‌نامه در بیت‌های آن با خطاب معنی می‌گردد:

معنی بیا چنگ را ساز کن
به قول و غزل قصه آغاز کن
که بار غم بر زمین دوخت پای
به ضرب اصولم بر آور زجای
حافظ (۸)

و گاهی هم با بیا مطرباً شروع می‌شود بیا مطرباً زان که وقت نواست
بزن این نوا را در آهنگ راست
که کج جز گرفتار خواری مباد
بجز راست را رستگاری مباد
جامی (۹)

برخی از شاعران مبتکر از قبیل نرشیزی و میررضی آرتیمانی هنرنمایی بسیار از تلفیق ساقی‌مناجات‌های پرشور و سوگندهای

شاهکارهای بدیعی آفریده‌اند.

معمولاً ساقی‌نامه از بخش‌های گوناگونی تشکیل می‌گردد که هر بخشی از آن دارای موضوع واحدی است. برای نشان دادن محتوای اصلی ساقی‌نامه‌ها به طور اختصار نمونه‌هایی عرضه می‌شود:

۱. در توحید و نعت پیامبر (ص) و اولیای دین (ع) یا همان اصطلاحات خاص میخانه‌ای:

ثنا می‌کنم ایزد پاک را

ثریا ده طارم تاک را

که خورشید را صورت جام از اوست
شراب شفق در خم شام از اوست

از او لاله نشاه بر فرق می

وزاو شکر نغمه در کام نی...

ظهوری ترشیزی (۱۰)

۲. در مناجات و سوگند:

الهی به مستان میخانه‌ات

به عقل آفرینان دیوانه‌ات

به دردی کش لجه کبریا

که آمد به شانش فرود انما

به دری که عرش است او را صدف

به ساقی کوثر، به شاه نجف

به نور دل صبح خیزان عشق

ز شادی به انده گریزان عشق

به رندان سرمست آگاه دل

که هر گز نرفتند جز راه دل...

کزان خوبرو چشم بد دور باد

غلط دور گفتم که خود کور باد

رضی‌الدین آرتیمانی (۱۱)

۳. در پند و اندرز و حکمت و اخلاق و

بی‌اعتباری جهان:

بیا ساقی آن جام گیتی نما

که از جم رسیده است دورش به ما

به من ده که دوران گیتی مدام

زدستی به دستی رود همچو جام

امیدی تهرانی (۷)

۴. در اوصاف ساقی، می‌فروش،

میخانه، صبح و شام و بهار و...

۵. در عشق و مغالزه که بعضی از

(از جمله ظهوری ترشیزی) غزل‌هایی

بحر متقارب با ظرافت و هنرنمایی

در متن ساقی‌نامه خود گنجانیده‌اند

آنچه در مثنوی ویس و رامین، و

شیرین نظامی آمده است)

۶. در شکایت از روزگار و انتقاد از

و احوال زمانه و مردم آن و بی‌وفا

و...

صدا هر دم آید ز دیوار و در

کزین خاکدان الحذر الحذر...

عجب روزگاری گران محنت است

که بر مردگان زنده را حسرت است

بلا ریز گردیده گردون دون

شده کار دین همچو دنیا زبون

چو زلف بتان عالم آشفته است

به هر دل، سیه مار غم خفته است

چو در عالم هوش نبود سکون

من و عالم بیخودی و جنون

حکیم پرتوی (۱۲)

۷. در نکوهش زاهد و محتسب و

فلک و عقل و غیره:

مغنی سحر شد خروشی بر آر

زخامان افسرده جوشی بر آر

که افسرده صحبت زاهدم

خراب می و ساغر و شاهد

رضی الدین آرتیمانی (۱۳)

۸. در تمثیل و حکایت:

دلم سوخت بر حال دیوانه‌ای

که می گشت بر گرد ویرانه‌ای

سری پر زسودا، دلی پر زیار

بر آورده فریاد، شوریده وار

که گبرم به کیش محبت، اگر

به جز یار داتم خدای دگر

بدو گفتم: ای کافر حق گزار

از این حرف بس کن! بنالید زار:

که بهر پرستیدن آن صنم

به ملک وجود آدمم از عدم

وگر نه مرا ذوق هستی نبود

سر و برگ یزدان پرستی نبود

مرشد بروجردی (۱۴)

۹. در وصف الحال و بٹ شکوی:

به حدی پریشانم از روزگار

که لذت نمی یابم از زلف یار

رسد هر زمانم شکستی دگر

اگر مومیایی شوم سر به سر

اگر راز دل را برون افکنم

سخن را به گرداب خون افکنم

دروغم چنان پر شد از دود آه

که امید را در دلم نیست راه

مرشد بروجردی (۱۴)

۱۰. وصیت نامه.

اغلب گویندگان در اثنای ساقی نامه خود

وصیت نامه‌های دلنشینی سروده‌اند که

از آن میان وصیت نامه حاج ملا هادی

سبزواری با توجه به مقام والا و فضایل

علمی و کمالات بسیارش، لطافت و حال

و هوایی دیگر دارد:

ندیمان وصیت کنم بشنوید

که عمر گرامی به آخر رسید

چو این رشته عمر بگسسته شد

به آغاز، انجام پیوسته شد

بشد ملک تن بی سپهدار جان

به یغما ربودند ملک روان

خدا را دهیدم به می شستشوی

پیاشید سدرم از آن خاک کوی

بسازید تابوتم از چوب تاک

کنیدم می آلوده در زیر خاک

چو از برگ رز نیز کفتم کنید

به پای خم باده دفنم کنید...

ز مرد وزن اندر شب وحشتم

نیاید کسی بر سر تربتم

بجز مطرب آید زند چنگ را

معنی کشد سرخوش آهنگ را

به خونم نگارید لوح مزار

که هست این شهید ره عشق یار

چهل تن زرنندان پیمانان زن

شهادت کنند این چنین بر کفن

که این را به خاک درش نسبت است

ز دردی کشان می وحدت است

ندیدیم کاری از او سرزند

بجز اینکه پیوسته ساغر زند (۱۵)

در پایان ویژگی‌های اصلی ساقی

می‌توان بدین گونه جمع‌بندی کرد:

الف: در قالب مثنوی سروده شده‌اند

ب: بیشتر اوزان این مثنوی‌ها در بحر

مثنی محذوف یا مقصور (فعولن

فعولن فعل) است. اما گفتمی است

اکثر صاحب نظران و پژوهشگران

خصوصیات ساقی نامه را داشتن بحر متقارب قلمداد کرده اند، لیکن پاره‌ای از شاعران بدین اصل پایبند نمانده و در اوزان دیگر نیز ساقی نامه‌هایی سروده‌اند از جمله حزین لاهیجی و حیاتی گیلانی، ساقی نامه‌هایی در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف و مقصور (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) و جز آن سروده‌اند. (نمونه را به صفحه ۸۱۴ تذکره میخانه مراجعه شود.)

ج: دریافت کلی ساقی نامه‌ها ترکیبات و اصطلاحات میخانه‌ای و خراباتی از قبیل می، میکده، جام، خرابات، پیر مغان، ساغر، پیمان و امثال اینها در معنی‌های مجازی و عرفانی به کار می‌رود. شایان ذکر است که قافله سالار بزرگ ساقی نامه سرایان، حکیم نظامی گنجه‌ای نیز درباره مجازی بودن این اصطلاحات، در موخره ساقی نامه خود، به صراحت گوشزد می‌کند که:

نپنداری این خضر پیروز پی
که از می مرا هست مقصود، می
از آن می، همه بیخودی خواستم
بدان بیخودی مجلس آراستم
مرا ساقی از وعده ایزدی است
صبح از خرابی، می از بیخودی است
و گرنه به یزدان که تا بوده‌ام
به می دامن لب نیالوده‌ام
گر از می شدم هرگز آلوده کام
حلال خدای است بر من حرام (۱۶)

د: آن روح عرفانی و فلسفی و اخلاقی - که قبلاً بدان اشاره شد - در کالبد ساقی نامه‌ها معنویت و گیرایی خاصی می‌بخشد که از

یک سو موجب امتیاز ساقی نامه‌ها از سایر اشعار خمیری می‌گردد و از سوی دیگر باعث انسجام و یکپارچگی کل بیت‌ها آن می‌شود. والسلام.

پاورقی‌ها و ارجاعات:

۱. لغت نامه دهخدا
۲. شعر و ادب فارسی صفحه ۲۲۴
۳. لغت نامه
۴. تذکره میخانه صفحه ۳۲ حاشیه
۵. شعر و ادب فارسی صفحه ۲۳۷
۶. لغت نامه
۷. تذکره میخانه صفحه ۱۴۸
۸. دیوان حافظ صفحه ۵۹۲
۹. تذکره میخانه صفحه ۱۰۹
۱۰. همانجا صفحه ۳۶۵
۱۱. دیوان رضی الدین آرتیمانی صفحه ۱۸
۱۲. تذکره میخانه صفحه ۱۲۸
۱۳. دیوان رضی الدین آرتیمانی صفحه ۱۹
۱۴. تذکره میخانه صفحه ۶۰۶ و صفحه ۶۰۹
۱۵. دیوان حاج ملا هادی سبزواری صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱
۱۶. شرفنامه نظامی گنجه‌ای صفحه ۳۸

ماخذ

۱. تذکره میخانه تصحیح احمد گلچین معانی چاپ انتشارات اقبال
۲. شعر و ادب فارسی، زین العابدین مومنین، مطبوعاتی افشاری سال ۱۳۴۶
۳. لغت نامه دهخدا
۴. دیوان رضی الدین آرتیمانی به کوشش محمدعلی چاپ اول انتشارات خیام
۵. گل‌های جاویدان، شادروان رهی معیری چاپ انتشارات پیک فرهنگ
۶. دیوان حاج ملا هادی سبزواری - مدرس چاپ انتشارات محمودی
۷. دیوان حافظ به سعی سایه چاپ دوم انتشارات و چراغ
۸. شرفنامه حکیم نظامی - وحید دستگردی مطبوعاتی علمی